

گفت و گو از اندیشه تا عمل

www.ketab.ir

مؤلف:
فاطمه صدرعاملی



صدرعاملی، فاطمه (طباطبایی)، ۱۳۲۵
گفت‌وگو از اندیشه تا عمل / مؤلف: فاطمه صدرعاملی.
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
۱۹۶ ص.

ISBN 978-964-325-594-7

فیبا
کتابنامه: ص. [۱۹۵]-۱۹۶
مشاهیر -- دیدگاه درباره گفتگو
Celebrities - - Views on dialogue
مشاهیر -- سرگذشتنامه
Celebrities - - Biography
گفتگو -- تجزیه و تحلیل
Dialogue analysis
۹۵/۴۵۵P
۴۰۱/۴۱
۷۵۳۸۹۳۶

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی:
یادداشت:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده‌بندی کنگره:
رده‌بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

گفت‌وگو از اندیشه تا عمل

مؤلف: فاطمه صدرعاملی

چاپ اول: ۱۴۰۰

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپخانه حیدری: ۵۰۰ نسخه

۵۵۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نیش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۱۹	بخش اول: گفت‌وگو اندیشان
۲۱	فصل اول مارتین بوبر
۳۱	فصل دوم دیوید بوهم
۳۹	فصل سوم پتر زنگه
۴۷	فصل چهارم برنهارد والدنفلز
۵۵	فصل پنجم ویلیام اسحاق
۶۵	فصل ششم کلاوس شالر
۷۳	فصل هفتم هاینتس کلگر

۶ گفت‌وگو از اندیشه تا عمل

بخش دوم: گفت‌وگو در عمل

مقدمه

فصل اول: ویژگی‌های کارگاه‌های گفت‌وگو

فصل دوم: تمرین‌های گفت‌وگو

فصل سوم: کاربردهای گفت‌وگو

بخش سوم: سرگذشت پروژه گفت‌وگو در ایران

مقدمه

بخش چهارم: پیوست‌ها

کتابنامه

www.ketab.ir

پیشگفتار

عنوان کتاب گفت‌وگو از اندیشه تا عمل نشان‌دهنده روند فعالیتی است که اندیشمندان به منظور توسعه فرهنگ گفت‌وگو در گوشه‌وکنار جهان صورت داده‌اند؛ کسانی که از سوء تفاهمات و دشمنی‌های میان انسان‌ها خسته شده و در پی ایجاد تفاهم و دوستی میان انسان‌ها هستند.

پیشینه گفت‌وگو به سقراط و افلاطون بازمی‌گردد که از پیشگامان و بزرگان گفت‌وگو بوده‌اند. این دو فیلسوف از دیالوگ برای پرورش انسان‌ها بهره می‌بردند؛ اما رویکرد جدید به گفت‌وگو در عصر حاضر برخاسته از نیازی نوست.

در دو قرن گذشته، دیالوگ در غرب در میان صاحبان مذاهب مختلف همیشه معمول بوده است. اما در ایران، اگر هم دیالوگی برقرار بوده است، در چارچوب تبادلات فرهنگی صورت می‌گرفته و فاقد برنامه‌ای برای گفت‌وگو میان مذاهب و فرهنگ‌های مختلف بوده است. درست برخلاف آنچه در غرب به چشم می‌خورد.

دیالوگ و تبادل و ارتباط فرهنگی میان ایران و غرب در ۱۵۰ سال گذشته به چهار صورت بوده است:

- ۱- ایجاد نهادهایی مشابه آنچه در غرب وجود داشته است؛ مثل مدرسه، دانشگاه، پارلمان و غیر این‌ها؛

۲- اصلاح جامعه با ترجمه آثار اندیشمندان غربی و تقلید از الگوی زندگی غربی؛

۳- تلاش برای یافتن هویت ایرانی اسلامی، به معنای استقلال و ارزش قائل شدن برای فرهنگ خودی؛

۴- گفت‌وگوی فرهنگی: آگاهی از اینکه تقلید صرف برای توسعه فرهنگی کارساز نیست. این آگاهی در گام نخست به صورت مخالفت و طرد دستاوردهای غرب بروز یافت و در مرحله بعد، به این رویکرد تغییر یافت که گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها کاری است بنیادین.

البته، روند مذکور بدین معنی نیست که اکنون بیشتر اهالی دانش و مردم ایران به اهمیت دیالوگ میان غرب و شرق پی برده‌اند. واقع‌بینانه این است که اذعان کنیم طرفداران هر چهار مرحله هم‌زمان و هم‌اکنون در جامعه وجود دارند.

محور اصلی این نوشتار گفت‌وگوی درون‌فرهنگی است و بررسی نارسایی‌های فقدان گفت‌وگو. البته، با نظر داشت وضعیت امروز جامعه اطلاعاتی باید بگوییم در هر گوشه‌ای نشانه‌ای از فرهنگ‌های مختلف به چشم می‌آید و به قول آنه‌ماری شیمل، افراد فرهنگ‌های مختلف در کنار هم قرار گرفتند. پیش از آنکه آداب گفت‌وگو و هم‌زیستی با یکدیگر را فرا گرفته باشند.

متفکران و دردمندان جامعه که از نبود تفاهم و گفت‌وگوی واقعی میان مردم گزارش می‌دهند، در جست‌وجوی راهی برای یادگیری گفت‌وگو و از پر کردن شکاف میان «آگاه شدن به ضرورت گفت‌وگو» و «عمل به گفت‌وگو» هستند.

فقدان تفاهم و گفت‌وگو مانع فکر جمعی و همبستگی اجتماعی است. در چنین جامعه‌ای، امکان هم‌فکری که زیربنای هر کار اجتماعی است و، در نتیجه، امکان توسعه وجود ندارد.

چگونه می‌توان تفاهم و مدارا را میان مردم توسعه داد و دشمنی‌ها را کنار گذاشت؟ از ارزش سخن گفتن کافی نیست. سخن از مسئولیت ما در قبال اعمالمان است. از اخلاق باید گفت و به عواقب رفتار توجه کرد. در این قرن وضعیت دشواری حاکم شده است. از این رو، انسان تنها مسئول برآوردن نیاز

خود نیست؛ بلکه در قبال انسانیت مسئول است. این مسئولیت تنها ناظر بر رابطه انسان‌ها امروز با یکدیگر نیست؛ بلکه ما در قبال طبیعت و در قبال نسل‌های آینده نیز مسئولیم.

در مقام نویسنده این کتاب، تا جایی که به یاد دارم، دوست داشتم که در خدمت بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها باشم و از رنج و درد و سوءتفاهم میان آنان بکاهم. از مشاهده روابط ناهمدلانه میان طرفداران دنیای سنت و دنیای تجدد متأسف بودم و آرزو داشتم میان صاحبان آرای مختلف هم‌فکری و همکاری ایجاد شود. پایان‌نامه کارشناسی ارشدم با عنوان «بررسی تاریخی انتقادی نظریه‌های تربیتی در ایران و تبیین آنان با توجه به نظریه تعلیم و تربیت ارتباطی» نمونه تلاشم در این باره است. این پایان‌نامه نشان‌دهنده تلاش برای همکاری میان افکار و آرای تربیتی دانشمندان ایرانی و غربی است.

همیشه با خود می‌گفتم که متوقف کردن اسلحه‌سازی و قراردادهای مربوط به آن کفایت نمی‌کند. باید به چگونگی ارتباط انسانی اندیشید و در پی بهبود وضع آن برآمد. بسیاری از مناجرات و دشمنی‌ها و جنگ‌ها در اثر سوءتفاهم ایجاد می‌شود و این سوءتفاهم‌ها زمینه را برای استفاده از اسلحه فراهم می‌کند. بر آن نظر بودم که در جامعه اطلاعاتی همه باهم در ارتباطند و با نظر به درهم‌تنیدگی فرهنگ‌ها، می‌باید باهم زندگی کردن را بیاموزیم. این‌گونه دغدغه‌ها مرا به راه گفت‌وگو کشاند. هر جا که نغمه‌ای از امکان روابط سالم انسانی و آشتی و هم‌فکری بلند و یا نظریه‌ای درباره فراهم کردن زمینه روابط سالم میان انسان‌ها مطرح بود، به آن سو کشیده می‌شدم.

باید دید که چگونه می‌توان تفاهم را توسعه داد و مانع سوءتفاهمات شد. با این نگاه در بخش اول کتاب پیش رویتان به برداشت علمی چند دانشمند پرداخته‌ام که از بُعد فلسفی و بُعد تعلیم و تربیت و بُعد تئوری سیاسی و از چشم‌انداز تفکر سیستمی به موضوع ارتباط و تفاهم و گفت‌وگو پرداخته‌اند. این اندیشمندان با توجه به تخصص خود، از چگونگی وجود انسان در هستی، از روش تربیتی انسان‌ساز، از اداره سیاسی جامعه انسان‌ساز و از راهکار تجربه

گفت‌وگوی واقعی و برطرف کردن نارسایی‌های ناشی از فقدان آن سخن گفته‌اند.

این دانشمندان بر این نظرند که وضعیت اجتماعی را نمی‌توان محدود به عکس‌العمل‌های این فرد و جامعه دانست. آن‌ها می‌گویند که بین اشخاص، گروه‌ها و فرهنگ‌ها چیزی جریان دارد که نمی‌توان آن را محصول تلاش افراد خاصی دانست؛ بلکه یک «حوزه میانی» ایجاد شده است که مرتباً توسعه می‌یابد و بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارد.

آنچه مورد تأیید همه این دانشمندان است، توجه به حوزه‌ای «بین‌انسانی» است. بوبر این حوزه را «بین» می‌خواند و آن را زمینه انسان‌شدن می‌داند. والدنفلز از «حوزه میانی گفت‌وگو» نام می‌برد و می‌گوید که راه به «دیگری» از این حوزه می‌گذرد. دانشمند تئوری سیاسی، هاینس کلگر، تنظیم امور جامعه و فراهم کردن امکانات شرکت هرچه بیشتر مردم در امور سیاسی و مشارکت اجتماعی را زمینه‌ساز بالندگی انسان می‌داند. بحران‌های جدید نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، باید بیشتر به مردم و شهروندان واگذار شود. در این نظریه، دولت و جامعه مدنی از نو تعریف می‌شود. وظیفه دولت آن است که در جایگاه واسطه رابط میان مطالبات گروه‌های اجتماعی متفاوت، امکانات همکاری آنان را فراهم کند. دیوید بوهم عامل سوءتفاهم را جزئی‌نگری، بی‌توجهی به همبستگی کامل انسان‌ها باهم و نادیده گرفتن آنچه بین آن‌هاست، می‌داند. بوهم با اشاره به گریگوری باتسن می‌گوید که طبیعت، خویشتر توسعه‌یافته انسان است.

برای بیشتر دانشمندان حوزه میانی بین انسان‌ها تعیین‌کننده چگونگی ارتباط و تفاهم بین انسان‌هاست؛ از این‌رو شاید بتوان گفت که انسان هم در برابر انسان‌های دیگر مسئول است و هم در برابر جامعه و آنچه در حوزه بین انسان‌ها جریان دارد. دانشمندان تصورات مشابهی برای ایجاد زمینه تفاهم و دوستی میان انسان‌ها دارند. توجه به حوزه میانی گفت‌وگو برای برنامه‌ریزی به‌منظور یادگیری گفت‌وگو اهمیت ویژه دارد. در گفت‌وگو کسی مجبور به کنار گذاشتن دیدگاه

خود نیست. هر دو طرف از احترام برخوردارند. مسئله بر سر آن نیست که کدام بهتر است و کدام بدتر؛ بلکه هدف تکمیل دیدگاه‌های یکدیگر است. هیچ‌کس مجبور نیست، دیدگاه‌های خود را کنار بگذارد.

در بخش دوم به آنچه اشاره می‌شود که اندیشمندان با به‌کارگیری تجربیات علمی خود برای زمینه‌سازی یادگیری گفت‌وگو تنظیم و تدوین کرده‌اند و سرانجام، در بخش سوم کتاب گزارش مختصری از روند فعالیت طرح گفت‌وگو در ایران عرضه می‌شود.

اما برای یادگیری گفت‌وگو و رسیدن به تفاهم چه چیزی باید بیاموزیم؟ برای رسیدن به این مقصود دانشمندان دورتی فریمن و هارتکه مایر مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها را در کتاب باهم اندیشیدن؛ راز گفت‌وگو گردآوری کرده‌اند. مؤسسه انتشارات اطلاعات این کتاب را با ترجمه نگارنده این سطور منتشر کرده است. این دانشمندان برای یادگیری گفت‌وگو روش کارگاهی را معرفی کرده‌اند. مواد کارگاه‌های معرفی شده مبتنی بر تجارب علمی است. یادگیری کارگاهی یکی از راهکارهای نتیجه‌بخش برای پر کردن شکاف میان نظر و عمل در گفت‌وگوست. یادگیری گفت‌وگو، در واقع نوعی تحول در بینش و منش انسان و در نوع عادات انسان است. تغییر و تحول را نمی‌توان تنها با انتقال دانش آن فراگرفت. در روند کارگاه‌ها، علاوه بر ذهن، مجموعه عناصر وجودی انسان که در رفتار انسان تأثیرگذار هستند نیز مورد خطاب قرار می‌گیرند؛ عناصری مانند تجربیات فرد، احساسات فرد، سرگذشت فرد، جسم فرد و ارزش‌های فرد؛ از این‌رو، مواد کارگاه را فعالیت‌ها، تمرین‌ها و کارهای هنری و حرکتی تشکیل می‌دهد.

در خاتمه سپاسگزارم از خانم حورا صدر مدیر موسسه امام موسی صدر که هم امکان اجرای طرح را در مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر فراهم کردند و هم از ابتدا در انجام طرح مشارکت داشتند

از آقایان عباس حاجی علی محمدی و آقای ناصر شاه‌حسینی و خانم اعرابی که از مجریان طرح میباشند نیز تشکر میکنم